

۱۴

فصلی از مجلد سوم گزارشهای باستان شناسی

بشقاب نقره منحصر بفرد ساسانی
مکشوفه
در حوالی ساری

نگارش

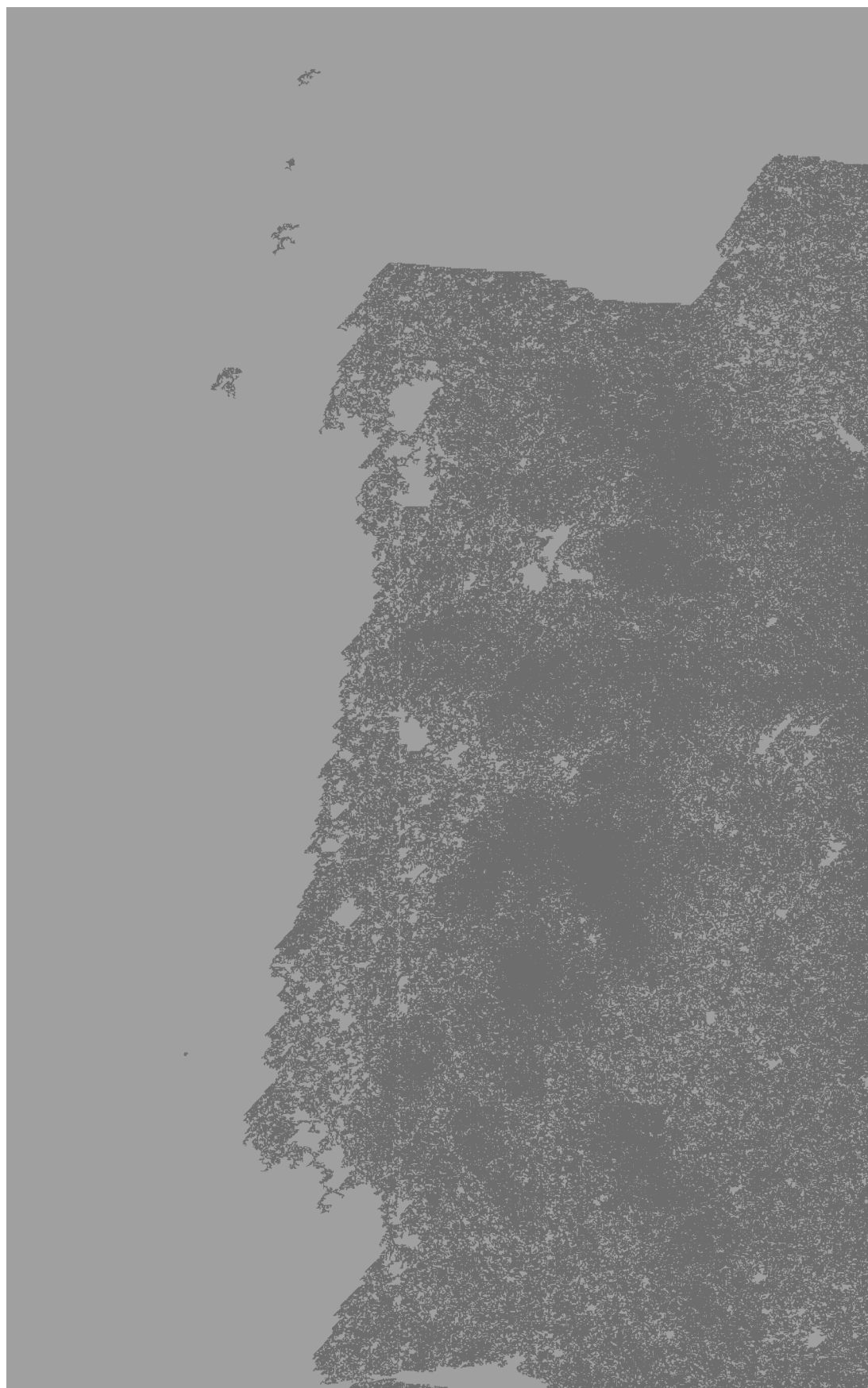
علی حاکمی

موزه دار موزه ایران باستان



۱۳۳۴

مؤسسه باستانشناسی ایران



اسکن شد

۱۴ = بشقاب نقره منحصر بفرد ماسانی

مکشوفه

در حوالی ماری

نگارش

علی حاکمی

موزه دار موزه ایران باستان

عکس ها از آقای رستمی عکاس موزه ایران باستان

مقدمه

چندی پیش درخارج شهر ساری ضمن خاکبرداریهایی که در کنار کوره‌های آجرپزی مجاور ایستگاه راه‌آهن بعمل می‌آمد بغتاً کلنک کارگری بقسمت سخت تری اصابت کرد که توجه کارگران دیگر و صاحب کوره را بخود جلب و کنجکاوی ایشانرا تحریک نمود پس از تفحص و کاوش از دل خاك سه قطعه ظرف نقره متعلق بدوره ساسانی بیرون آمد^(۱) که جوینده آنها اشیاء مزبور را با کمال درستی و بدون شائبه و تردید باداره فرهنگ ساری تحویل اداره مزبور هم بنوبه خود باصورت مجلس تنظیمی سه ظرف مکشوفه را باداره کل باستانشناسی ارسال داشت (ش - ۱) .

بین این سه قطعه ظرف مکشوفه بشقابی وجود دارد که از لحاظ زیبایی و جنبه هنری و صنعت فلزکاری شایان توجه بوده و ارزش آنرا دارد که تحقیق و تتبع کاملی در باره آن بعمل آید و اهل فن و دانشمندان علاقه‌مند بطور تفصیل مقالات جامع و متعددی در شرح آن بنگارند .

بدیهی است در بادی امر از لحاظ وظائف اداره کل باستانشناسی لازم می‌آمد شرح مختصری در خصوص اشیاء مزبور در نشریه رسمی حاضر یعنی مجلد سوم گزارشهای باستانشناسی درج شود لذا آقای مصطفوی رئیس اداره متبوع انجام مطالعه و تحقیق درباره آنرا از این نظر که آثار ساسانی در موزه ایران باستان مستقیماً مربوط باینجانب میباشد بر عهده نگارنده گذاردند . هر چند کمی فرصت مجال تحقیق و تتبع کامل درباره این اثر تاریخی نفیس را نداد ولی تا جائیکه مقدور بود تحقیق

۱ - این ظروف در کوره های آجر مجاور ایستگاه راه‌آهن ساری که تقریباً سیصد متر با ایستگاه فاصله دارند در مجاورت یکی از این کوره ها که خاکبرداری شده تصادفاً پدیدار گردید بطوریکه همکار محترم آقای حبیب‌الله صمدی ضمن مسافرت اخیر خود بساری گزارش داده‌اند در این محل دوطبقه خاك متمایز از یکدیگر مشاهده میشود که قشرفوقانی آن از نوع خاکهای سیاه رنگ بوده که باید از بقایای نباتی باشد و طبقه دوم خاك رس زرد رنگی است که در کوره‌ها از آن استفاده میشود ضمناً طبقه سیاه رنگ که ظروف نقره در آن کشف شده است دارای ضخامتی از ۲۵ سانتیمتر تا ۱/۵ متر میباشد .



(ش - ۱) محل کشف ظروف نقره ساسانی که بوسیله کاشف آن نشان داده شده است . (عکس از آقای حبیب الله صمدی موزه دار موزه ایران باستان که در سفر اخیر خود بمازندران برداشته اند)
مختصری انجام گرفت و نقوش داخل بشقاب با نقوش وسکه های عهد ساسانی تطبیق و مقایسه گردید . امید میرود این مطالعه و بررسی که برای اولین بار در خصوص شیئی مزبور بعمل آمده و بصورت مقاله انتشار مییابد در نظر علاقه مندان با آثار هنری مقبول افتد چنانچه نواقص و معایبی در این مختصر مشاهده شد چشم پوشی نموده و از تذکار نظریات خود باینجانب دریغ نفرمایند .

مشخصات بشقاب نقش دار

با ذکر مقدمه فوق اکنون بطور اجمال بشرح مشخصات و توصیف نقوش داخل بشقاب نامبرده پرداخته سپس نتایجی که از مطالعه آن بدست میآید در مقایسه این شیئی نفیس با سایر آثار دوره ساسانی استفاده خواهد شد .

این بشقاب که جنس آن از نقره است بقطر (۲۸/۷۰ سانتیمتر) میباشد در سطح داخلی آن نقش برجسته یکی از پادشاهان یا شاهزادگان ساسانی را سوار بر اسب در حال شکار دو شیر نموده اند برآمدگی نقوش از سطح ظرف نسبتاً زیاد بوده و برجسته ترین قسمتهای آنرا بر سطح داخل ظرف بطور یقین الصاق نموده اند طرز عمل و هنر سازنده آن که توانسته است نقشه مزبور را در داخل بشقاب بطرز بدیع و زیبایی جلوه دهد بسیار مهم و درخور توجه میباشد بعقیده نگارنده ظروفی که تاکنون از دوران ساسانی بجای مانده و در موزه های مختلف موجود است از لحاظ ظرافت و پرکاری و تناسب اشکال با اهمیت ظرف مزبور نمیرسد برای اینکه از نظر هنری و قدرت طرح بر سایر ظروف ساسانی برتری فراوان دارد (ش - ۲) .

مجلس شکاری که در ظرف مکشوفه درمازندران دیده میشود موضوع آن گرچه از بشقابهای نظیرش که از پادشاهان سلف مانند شاپور دوم باقیست اقتباس گردید ولی در مجلس مزبور تناسب و ظرافت نقوش بوضع بهتری از ظروف پیشین رعایت شده است (ش - ۳) .

نکته دیگری که در غالب ظروف ساسانی جلب توجه میکند اینست که از ضخامت نقوش در بشقابها بتدریج کاسته شده است بطوریکه در بشقابهای اوایل دوره ساسانی ضخامت نقوش داخل بشقاب بیشتر بوده و مانند نقوش برجسته روی سنگ سعی نموده اند ابعاد و حجم و برجستگی نقش بیشتر نمایان گردد ولی در ظروف اواخر ساسانی این نکته رعایت نگردیده بطوریکه ارتفاع نقوش از حالت برجستگی زیاد بصورت تصاویر کم ضخامتی درآمده اند . چنانچه نمونه های چندی از نوع اخیر در موزه ایران باستان و موزه ارمیتاژ لنینگراد موجود میباشد . بدین جهت چون

ضخامت نقوش بشقاب فوق الذکر با نقوش ظروف اوائل ساسانی شباهت دارد در نتیجه باید آنرا هم متعلق بدوران اولیه این سلسله دانست .
اینک بطور تفصیل بذکر مجلسی که در این بشقاب نقش شده است می‌پردازیم :



(ش - ۲) بشقاب نقره منحصر بفرد ساسانی مکشوفه در حوالی ساری « مازندران »
که در آن حرکات سوار و حیوانات را بطرز بدیعی مجسم نموده است
سواری که بر اسب نشسته و در حال تاختن است حرکت اسب او در جهت
مخالف شکار میباشد بطوریکه برای تیر اندازی بطرف عقب برگشته با کمانی که

دردست دارد مشغول رها کردن تیر بطرف شیری است « حالت تیرانداز طوری است که بخوبی گفته شاعر بلند پایه فردوسی را که در توصیف تیراندازی رستم در جنگ اشگبوس سروده است بیاد میآورد .



(ش - ۳) ظرف نقره ساسانی متعلق بشاپور دوم که از لحاظ وضع مجلس شکار با ظرف نقره مکشوفه در مازندران قابل مقایسه می باشد .

ستون کرد چپ را و خم کرد راست — خروش از خم چرخ چاچی بخواست
این بیت در حقیقت بهترین وصفی است که میتواند معرف حالت تیراندازی سوار
مزبور باشد « دهانه اسب کاملاً آزاد بوده و در روی گردن آن آویزان است خود
اسب باسر کشیده بصورت چهار نعل در حال تاخت میجهد این وضع که اسب از

شکار رمیده ولی سوار با وجود این بعقب برگشته شکاری را هدف قرار داده است بمنظور نشان دادن تهور سوار و مهارت او در تیراندازی میباشد در زیر پای اسب شیری که سوار شکار کرده افتاده است شیر دیگری درمقابل شخص تیرانداز روی دوبا بلند شده و پشت آن بطرف سوار است مورد هدف قرار گرفته است.

در سمت راست ظرف حاشیه نسبتاً برجسته که از نیم بیضی‌های نامنظم تشکیل یافته در دوردیف نقش شده و روی هریک از این برآمدگیها نقش درختانی را با اشکال مختلف بطرز ساده‌ای کنده کاری نموده‌اند بدین ترتیب سازنده با ساختن این نقوش خواسته است شکل کوه و درخت را در حاشیه ظرف مجسم نماید.

مهارتی که در نمایاندن حرکات سوار و حیوانات و همچنین سایه روشنهایی که در تجسم عضلات پا و سینه آنها بکار رفته و نکات حساسی که در نقوش ظرف مزبور رعایت شده است حاکی از استادی و تسلط سازنده آن در این صنعت بوده ضمناً وقوف و اطلاع کامل او را در این هنر معلوم میدارد (ش - ۴)

برای اینکه بتوان بطریق سهل تری نقوش بشقاب مزبور را با آثار موجود دوره ساسانی مقایسه نمود میبایست بشرح جزئیات شکل آن بترتیبی که مشاهده میشود پردازیم ضمناً با تشریح و تفکیک هریک و مقابله با نقوش و سکه‌های آن زمان تا آنجائیکه مقدور است بشناساندن این شیئی نفیس موفق گشته و بدین ترتیب تاحدی شخصیت صاحب نقش روشن گردد.

الف - تاجیکه بر سر سوار قرار دارد از یک لبه صاف با نقش ساده و یک ردیف کنگره‌های کوتاه نیم بیضی تشکیل یافته است. تعداد کنگره‌ها در نیمرخ از هفت عدد تجاوز نمینماید وسط کنگره‌ها دارای فرو رفتگی بوده و برآمدگی آنها از کلاهک تاج کاملاً محسوس میباشد در قسمت جلوی تاج دو گوی کروی بشکل میوه سرو بوسیله پایه های مارپیچی بطور مورب بقسمت قدیمی آن وصل شده است در وسط کلاهک آن بجای گوی منسوجی که در اغلب تاجهای پادشاهان ساسانی دیده میشود زائده پایه بلندی بشکل گل شیپوری قرار گرفته که در محل اتصال آن نوار مواجی گره زده‌اند. این زائده شیپوری که شباهت زیادی بتاجهای کلاه‌های رومی دارد در هیچ یک از تاجهای پادشاهان ساسانی که از روی سکه‌ها



(ش - ۴) نقش بشقاب نقره ساسانی که کلیه نکات جزئی تصاویر مختلف آن بخوبی هویدا است
این نقش سیاه قلم بتوسط هنرمند محترم آقای آصفی نقاش اداره کل باستان‌شناسی رسم شده است

و نقوش بدست آمده دیده نشده است نقوشی که در روی این زائده جلب نظر مینماید از سه قسمت تشکیل یافته است ابتدای آن از پنج برگ طویل برجسته چسبیده بهم که در پائین جمع گشته و در قسمت بالابعلت تغییر شکل زائده مزبور از هم باز میشود در وسط یک قسمت ساده ایست که سطح آن با خطوط گود موازی شطرنجی شده است در قسمت فوقانی حاشیه نسبتاً پهنی است که از یک ردیف گلهای برجسته مشأبه همزینت یافته است ضمناً حد فاصل این نقوش را با خطوط باریک برجسته از هم جدا کرده اند.

بطور کلی قسمت جلوی تاج مزبور پیشانی سوار را تا بالای ابرو میپوشاند و قسمت خلفی آن به پشت گوش او تکیه کرده است دو عدد نوار موج نسبتاً بلند که بکنگره های عقب آن متصل است بر اثر حرکت اسب و وزش باد در هوا جولان مینماید در عقب تاج قسمت پائین آن حلقه نصب شده که از وسط آن زائده بشکل دو برگ منشعب میگردد از ظاهر شکل معلوم میشود که قرینه این گل باید در آن طرف تاج هم بوده که نوار بلند عقب تاج را بحلقه های آن گره میزدند (ش - ۶۵)

ب - صورت نیمرخ سوار که حالت جدی و دقیقی دارد متوجه شکار بوده و دارای ریش انبوه مجعدی است که انتهایش در حلقه فشرده شده و نوار کوچکی بشکل گل بدان گره زده اند و نیز دارای سیل باریکی است که نوک آن بطرف بالا تائیده است در گوش سوار گوشواره بیضی شکلی آویزان است در پهلوی گوش او مقداری موی تائیده که از تاج خارج شده خود نمائی میکند و نیز موهای انبوه تابداری در پشت گردن او آویخته است. (ش - ۶)

ج - وضع سوار حالت تیرانداز ماهر را نشان میدهد که آماده تیراندازی بطرف هدف خود میباشد. دو سر کمان که در نتیجه کشش زه خم شده تسلط و قدرت تیرانداز را بخوبی نشان میدهد سوار بادست چپ کمان را محکم گرفته و با دوانگشت وسطای دست راست زه را بعقب میکشد و با انگشت سبابه چوبه تیر را هدایت مینماید. در دست راست تیرانداز دست بندی جلب توجه مینماید که بوسیله چهار بند باریک در پشت دست بحلقه وصل شده است معمولاً این دست بندها را در موقع



(ش - ۵) در این شکل که فقط از قسمت سر سوار بشقاب ساسانی برداشته شده در آن نقوش مختلف تاج و صورت و گردن‌بند بخوبی مشاهده میشود

تیراندازی بدست میکردند تادست از آسیب کشش زه مصون بماند. (ش - ۶ و ۷)



(ش - ۶) قسمتی از نقش سوار بشقاب نقره ساسانی که در آن نوارهای موج و صورت و حالت دست تیرانداز در موقع کشیدن زه کمان بخوبی دیده میشود

د - لباس شخص منقوش در بشقاب مانند البسه اغلب شهریاران ساسانی پیراهن نسبتاً بلند است که تا بالای زانو میرسد این پیراهن دارای یقه گرد فراخی است که اطراف گردن را پوشانیده و آستین بلند چین دار آن تا مچ دست اداسه دارد ضمناً شلوار فراخ پرچینی نظیر شلوارهای پادشاهان ساسانی بپا دارد که چینهای آن بطرز زیبایی در پشت پا قرار گرفته است دهانه شلوار در نزدیک مچ پا تنگ شده و آنرا بوسیله نوار باریک بلندی بمچ پا گره زده اند که نوارهای موج آن از پشت پا کاملاً نمایان است و نیز در پشت پیراهن سوار نوارهایی که جزو تزیینات لباس محسوب میشوند با چینهای متوازی خودنمایی میکنند.

در گردن سوار یک رشته گردن بند که از دانه های نسبتاً درشت مدوری شبیه مروارید تشکیل یافته آویخته است استفاده از این نوع گردن بندها بطور کلی در نزد کلیه پادشاهان ساسانی معمول بوده فقط تغییراتی از لحاظ شکل و تعداد رشته ها بدان میدادند.

تزیینات لباس عبارت از دوسر دوشی نیم دایره ایست که کاملاً بر روی شانه قرار گرفته و با خطوط مارپیچی زینت یافته است از روی شانه و نزدیک سر دوشیها دو نوار پهن نقش دار مورب جدا شده که در وسط بنوار پهن افقی دیگری اتصال دارد در میان سینه و وسط نوار افقی شمسه برجسته ای نصب گردیده که داخل آن گل هشت پری (رزاس) نقش شده است لباس سوار در این قسمت کاملاً بوسیله سینه بند مزبور به بدن چسبیده که با وجود چین خورد گیها بر آمدگی سینه آن بطور وضوح نمایان است (ش-۷) .



(ش - ۷) قسمتی از نقش سوار بشقاب نقره ساسانی که حالت تیراندازی او را بطور وضوح نشان میدهد کمر بندی که بکمر سوار بسته شده در وسط بدو قلاب مدور برجسته منتهی میگردد که از بین آن دو زائده شبیه گل زنبق بطور مورب خارج شده است در قسمت پائین کمر بند مزبور کمر بند پهن حاشیه دار کجی دیده میشود که از آن بوسیله قلابی جهت بستن شمشیر استفاده میشده است .
در انتهای شلوار پرچین سوار نزدیک مچ پا گل مدور است که نوارهایی از آن منشعب و در حقیقت قلاب مچ بند شلوار محسوب میشده است .
شمشیر مستقیمی که بکمر سوار آویخته دارای غلاف مستطیلی شکل محذب

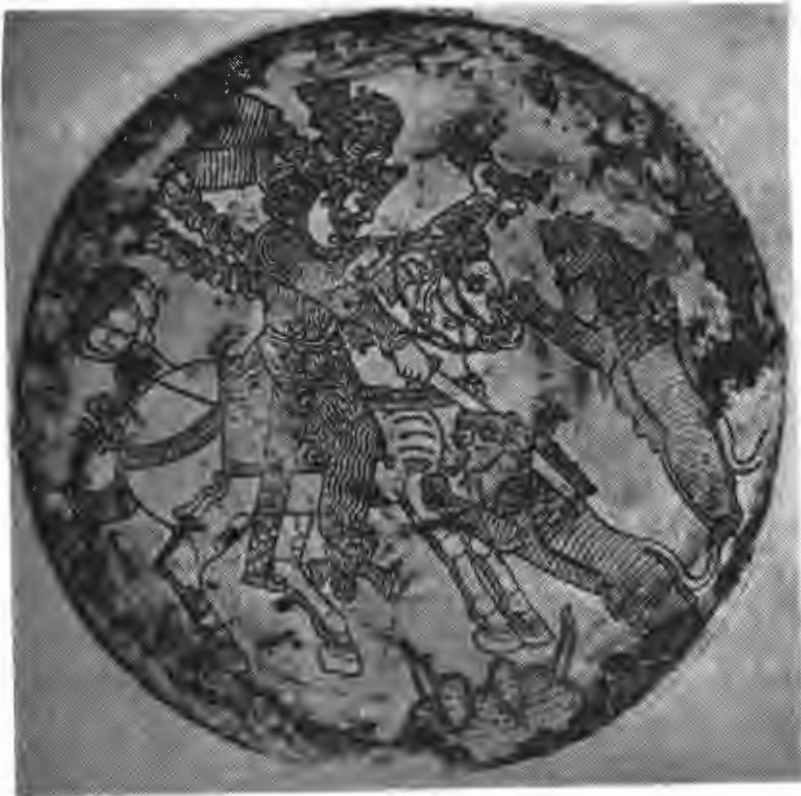
منقوشی است که قبضه آن بدو زائده طویل و یک گوی مدور منتهی میگردد قسمتی از غلاف شمشیر در نتیجه حرکت سوار بطرف عقب در زیر ران چپ او قرار گرفته و از نظر مستورمانده است. « بطور کلی در بعضی بشقابهای موجود عهد ساسانی تیردانی هم در پهلوی اسب آویخته اند ولی چون در این نقش حرکت اسب در جهت مخالف قرار دارد و تیردان را هم معمولاً در سمت راست اسب می آویختند بنا بر این در شکل بشقاب مزبور تیردان دیده نمیشود» (باشکال ۲ و ۴ و ۷ رجوع شود)

ه — نقش اسبی که در این بشقاب با کمال مهارت ساخته شده است حیوان را در حال چهار نعل نشان میدهد یال اسب بترتیب منظمی بریده شده و دم آنرا مانند اغلب اسبهایی که در نقشهای دوره ساسانی دیده میشود بطرز مخصوصی گره زده اند در وسط سر اسب تاج مدور حاشیه محدبی با پایه کوتاه نصب است که در قسمت وسط گل منفرد چهار برگی و در روی حاشیه بشکل گل چند برگی کنده کاری شده است انتهای پایه را دو قطعه نوار موج گره زده اند. در زیر گوش اسب نوار موج دیگری بوسیله دگمه مدوری که انتهای آن بگل پهنی متصل است به پیشانی بند اسب مربوط میگردد.

از دهانه اسب دو بند چرمی شرابه دار منشعب گشته و بحال آزاد در روی گردن حیوان آویخته است بندهای شرابه دار پهن دیگری که از سینه و ران اسب میگذرد (سینه بند و بند رانکی) با نقوش مثلثی شکلی تزئین یافته اند که خطوط مجزای شرابه را بخوبی مجسم میسازد نظیر این بندها در روی شکل اسب ظرف متعلق به بهرام پنجم که در موزه ارمیتاژ موجود است مشاهده میشود (ش-۸)

زین اسب مانند عرق گیرهای امروزی که که در زیر زین قرار میدهند بشکل مربع مستطیل بوده و از ظاهر آن چنین استنباط میگردد که ممکن است از نمداچرم بوده باشد روی زین را با نقشهایی از گلهای چهار برگی چسبیده بهم پوشانیده اند و حاشیه نقش دار باریک و برجسته ای نقش متن را محصور میسازد. زین مزبور بوسیله تسمه نقشدار پهنی به زیر شکم بسته شده است در پشت ران اسب دو عدد جسم بیضی شکل موج دیده میشود که جزو تزئینات حیوان محسوب گشته و بر اثر دویدن اسب بعقب پرتاب شده است شکل یکی از این دو جسم برجسته

بوده و دیگری که فقط قسمتی از آن بنظر میرسد برعکس اولی در متن ظرف نقر گردیده است نقوش روی دو جسم مزبور از خطوط موازی که دارای فواصل مساویست است تشکیل یافته و انتهای آنها بوسیله گل مقعر چند برگی که جسم را دربر گرفته بکمک زنجیر طویل بزر زین سوار مربوط میگردد از قرائن چنین بنظر میرسد که جنس جسم مزبور باید از الیاف ابریشمی یا پنبه باشد که با داشتن وزن سبک در حین دویدن اسب بعقب پرتاب میشد.



(ش - ۸) نقش بهرام پنجم دوحال شکار شیر دریکی از بشقابهای نقره متعلق بموزه ارمنیائز «لنینگراد»

چند مقایسه و تحقیق اجمالی

با توضیحاتی که از جزئیات نقوش بشقاب مکشوفه داده شده تاحدی وضع ظرف نامبرده روشن گردید حال بامقایسه اجزاء مختلف آن با تصاویر سکه ها و آثاریکه در روی سنگ از دوران شاهنشاهان ساسانی وجود دارد نتایج زیر بدست میآید :

الف - بطوریکه قبلاً اشاره رفت بشقاب مزبور از لحاظ ساخت و سبک کار

متعلق بدوره های اول ساسانی یعنی در حدود اواخر قرن چهارم میلادی بوده و یکی از پادشاهان یا کسانی که قرابت نزدیکی با دستگاه سلطنت داشته است ارتباط پیدا میکند بشقابهاییکه از پادشاهان اولی ساسانی باقیمانده است از لحاظ وزن و ضخامت و برجستگی نقوش داخل ظرف بابشقابهای اواخر دوره ساسانی تفاوت کلی دارد. گرچه از حیث شیوه کار دونوع ظرف از این دوره بدست آمده است. یکی بشقابهای نقش برجسته و نوع دیگر ظروفی که اشکال در آن کنده شده است بشقاب مکشوفه درمازندران از ظروف نوع اول بوده و دارای نقوش برجسته جالبی میباشد بنابراین بایستی بیشتر بابشقابهای هم نوع خود مقایسه گردد.

ب - تاجی که بر سر سوار دیده میشود بامقایسه آن با سکه های پادشاهان ساسانی از اغلب جهات با تاج هرمنز اول (۲۷۲-۲۷۳ م) پسر شاپور اول و اردشیر دوم (۳۸۳-۳۸۹ م) برادر یا پسر شاپور دوم ؟ بیشتر شباهت دارد (ش ۹-۱۰)

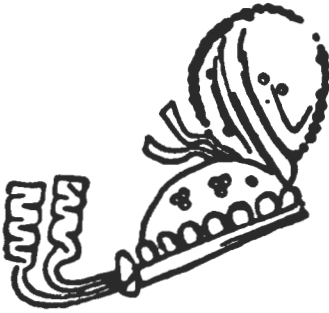


(ش ۹) دو نقش مختلف از تاج هرمنز اول که از روی سکه های این شاهنشاه اقتباس شده است

۱- « تاجهای ساسانی » مقاله کورت اردمان مجله صنایع اسلامی صفحه ۸۷ جلد

۱۶۹۱۵ سال ۱۹۵۱ .

اختلافی که در تاج این دو شاهنشاه با تاج نقش بشقاب مورد بحث وجود دارد این است که در وسط تاج بجای گوی منسوج یک زائده شیپوری شکل قرار گرفته و نیز دو گوی کوچک پایه دارد در قسمت جلوتاج نصب است ولی باستانی این دو تزئین سایر قسمتها از قبیل کنگره های تاج که از نیم بیضی های مقعر تشکیل



۲

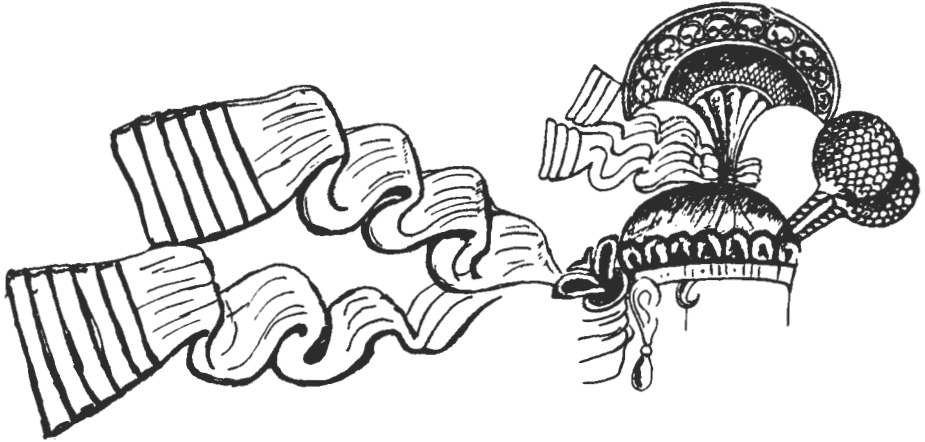
۱

(ش - ۱۰) دو نقش مختلف از تاج اردشیر دوم که از روی سکه های این شاهنشاه اقتباس شده است یافته و تعداد آنها در حال نیمرج ۷ عدد است با تاج اردشیر دوم که از روی سکه اقتباس شده کاملاً شباهت دارد هم چنین قسمت پائین کنگره ها یعنی پیشانی آن هم نظیر تاج اردشیر دوم و از بعضی جهات شبیه تاج هرمز اول است و سایر ملحقات تاج و نوارهای سواج که بحلقه پشت تاج متصل است با تاج این پادشاهان کاملاً تطبیق مینماید. (ش - ۱۱) اما با مقایسه فوق الذکر باین نتیجه میرسیم چون شبیه تاج مزبور در هیچیک از نقوش سکه و اشکال روی سنگ دیده نمیشود لذا با احتمال قوی باید آنرا متعلق بدوران شاهزادگی یا ولایت عهدی اردشیر دوم یا یکی دیگر از شاهزادگان ساسانی دانست.

برای تأیید نظریات فوق تا جائیکه مدارک و منابع تاریخی موجود اجازه میدهد لازم است شرح مختصری از وضع شاهزادگان و نواب سلطنت در زمان ساسانیان گفته شود :

بطوریکه از روی سکه های معروف به **سیثو - ساسانی** (Sytho - Sassanide)

که از طرف نواب سلطنت قسمت شرقی ایران (خراسان) ضرب شده است معلوم میگردد تا زمان بهرام دوم این ایالت بزرگ در زیر فرمان یکی از شاهزادگان خانواده سلطنتی ملقب بکرمانشاه بوده است پیروز برادرشاپور اول در سکه هائی



(ش - ۱۱) نقش تاج سوار بشقاب ساسانی

که ضرب کرده خود را کوشانشاه بزرگ خوانده است بعد از سال ۲۵۲ میلادی شاپور اول هرمز را که بعداً « هرمز اول » (۲۷۳-۲۷۲ میلادی) خوانده شد « بحکومت خراسان گماشت و لقب « شاهنشاه بزرگ کوشان » که از القاب سابقش عظیمتر بود باو تفویض کرد^۱ چه در آلمان ولیعهد ایران را بحکومت مهمترین ایالت یا ایالتی که بعد از سایرین تسخیر شده بود نصب مینمودند.^۲ از طرفی هرمز اول چون در جنگهای ایران با رومیها شجاعت و شهامت زیاد از خود بروز داد بنام قهرمان دلیران معروف گردید^۳ بطوریکه از تاریخ حکومت هرمز اول در خراسان که ۲۵۳ میلادی میباشد استنباط میگردد این شاهزاده که در زمان پدر عنوان ولایت عهدی را هم داشته و مدت زیادی در آن ناحیه حکومت کرده است با عناوین فوق حق استفاده از تاج مخصوصی را دارا بوده است. بنابراین بعید بنظر نمیرسد که شکل بشقاب مزبور صورت این شاهنشاه را هنگام شاهزادگی و ولایت عهدی او نشان میدهد.

۱ - تاریخ ساسانی تألیف کریستنسن ص ۱۵۲

۲ - تاریخ ساسانی تألیف کریستنسن ص ۱۵۳ نقل از گفتار مرحوم هرسفلد

۳ - Sassanian coins تألیف F. D. J. Paruck در شرح حال هرمز اول ذکر شده است

همچنین **اردشیر دوم** که بعضی از مورخین او را برادر شاپور دوم و برخی پسر این شاهنشاه بزرگ میدانند در زمان سلطنت شاپور دوم والی **آدیابن**^۱ بوده و قسمتی از شمال و مغرب ایران در زیر نظر این شاهزاده اداره میشده است بنابراین همان نظریکه درباره هرمز اول ذکر شد ممکن است در خصوص این پادشاه هم صدق نماید و تاج منقوش در بشقاب تاج دوران شاهزادگی و فرمانروائی او در آن ناحیه بوده باشد.

یابطور کلی باید گفت این تاج متعلق یکی از شاهزادگانی است که تاکنون آثاری از او بدست نیامده است مطالبی هم در این خصوص در دنباله مقاله ذکر گردید که بعداً بنظر علاقمندان میرسد.

پ - در مقایسه صورت سوار با سکه ها و نقوش برجسته آن زمان کلیه اجزاء آن از قبیل موی سر و ریش که بوسیله حلقه و نواری فشرده شده است هم چنین شکل گوشواره و گردن بند با سکه های دو شاهنشاه نامبرده (ش - ۱۲) و نقوش برجسته اردشیر دوم در طاق بستان شباهت کامل دارد.



۲



۱

(ش - ۱۲) دو سکه از هرمز اول و اردشیر دوم که بترتیب در سالهای مابین (۲۷۲ - ۲۷۳) میلادی و (۳۸۳ - ۳۸۹) میلادی سلطنت کرده اند

ت - لباسی که در تن سوار مزبور دیده میشود با لباسهای اغلب پادشاهان ساسانی خصوصاً با نقش **اردشیر دوم** در طاق بستان کاملاً تطبیق میکند بطوریکه تزئینات لباس از قبیل کمر بند و گل قلاب آن و چینهای شلوار و نوارهای مواج

۱ - ایالتی در شمال زاب بزرگ بوده است

مختلفی که در پشت لباس و میچ پا و سایر قسمتهای لباس حجاری شده است کاملاً نظیر لباس تصویر بشقاب بوده (ش-۱۳) و از اینکه لباس این شخص از زمره البسه سلطنتی هست جای هیچگونه شبهه نمیباشد. با توجه بنکات فوق چنانچه شبهه را قوی نگیریم و این شکل را منسوب به اردشیر دوم بدانیم میتوان چنین نظر داد چون این پادشاه در زمان کهولت بسلطنت رسیده است لذا شکل مزبور را باید تصویر دوران جوانی این شاهنشاه دانست یعنی زمانی که در نواحی شمال غربی ایران حکومت داشته و این محل در زمان دولت ساسانی جزو ایالات مرزی مغرب ایران محسوب میشده است.



(ش-۱۳) نقش برجسته اردشیر دوم جانشین شاپور دوم در طاق بستان نزدیک کرمانشاه که شکل شاهنشاه را در وسط نشان میدهد

پروکوپ درباره استفاده از لباس شاهانه و تجملات سلطنتی میگوید «هیچ کس حق نداشت انگشتی طلا و کمر بند و حلقه و غیره بر خویش نصب کند مگر

کسیکه از شاه آنها را گرفته باشد^۱ بنابراین چنانچه مطالب نویسنده نامبرده مورد قبول باشد. و نیز در صورتیکه صاحب نقش بشقاب را از شاهزادگان نامبرده ندانیم باید اذعان کرد که این صورت متعلق یکی از شخصیت‌های بزرگ آندوره بوده که حق استفاده از لباس و سایر تجملات سلطنتی را داشته است. گرچه این نظر بعقیده نگارنده از نظریات قبلی ضعیفتر میباشد.

علاوه بر مطالبی که تا کنون بدانها اشاره رفت نکته دیگری که جلب توجه مینماید استفاده از تاج غیر سلطنتی است که شاهنشاهان ساسانی بغیر از تاج‌های رسمی که در سکه‌ها و نقوش معلوم است کلاه یا تاج دیگری هم در مواقع شکار یا جنگ بر سر مینهادند بطوریکه از لحاظ شکل و تزئین با تاج اصلی تفاوت کلی داشت چنانچه در موزه ارمیتاژ لنینگراد ظرفی متعلق به **بهرام** موجود است که در نقش آن تاج این شهریار از دوشاخ قوچ برگشته و یک گوی تشکیل میگردد (ش-۱۴ و ۱۵) و همچنین آمین مارسلن مورخ رومی که درباره جنگ‌های **شاپور دوم** (ذوالاکتاف) شرح مبسوطی نگاشته است در تعریف یکی از جنگ‌ها از خود شاهنشاه اینطور توصیف میکند «..... **شاهنشاه از سایرین قدی رساتر داشت و سواره پیشاپیش تمام لشکر میآمد و بجای تاج کله قوچی بر سر نهاده بود که رنگ طلانی داشت و مکل بجواهر گرانبها بود**.....^۲» هم چنین در تخت جمشید نقوشی روی دیوارهای سنگی از دوران ساسانی بجای مانده که یکی از آنها تصویر شخصی را نموده که بر روی تاج خود زائده از پارچه بشکل پروانه نصب کرده است^۳ کلاه این تصویر از لحاظ مقایسه با زائده تاج مورد بحث تا حدی قابل مطالعه و قیاس میباشد (ش-۱۶). علاوه بر پادشاهان ساسانی رؤسای هفت خاندان ممتاز در ایران مجاز بودند که تاج بر سر نهند زیرا که منشاء نژادی خود را با خاندان سلطنتی یکی میدانستند لکن تاج ایشان از دیهیم سلاطین ساسانی کوچکتر بوده است^۴

۱ - نقل از تاریخ ایران در زمان ساسانی تألیف کریستنسن ص ۲۸۷

۲ - کتاب تاریخ ایران در زمان ساسانی تألیف کریستنسن ص ۱۶۵

۳ - با مقایسه این شکل با سکه شاپور برادر بزرگ اردشیر اول چنین بنظر میرسد که

نقش مزبور باید متعلق به شخص نامبرده باشد. بکتاب Sassanian coins تألیف F. D. J. Paruck

مراجعه شود. ۴ - بکتاب (طبری - بلعمی - نلدکه) رجوع شود.



(ش - ۱۴) یکی از بشقابهای نقره ساسانی بنام بهرام که در حال شکار گراز دیده میشود «متعلق
بموزه ارمنیائز لنین گراد» که در آن شکل تاج بخوبی معلوم میگردد

با توضیحات فوق باز هم میتوان چنین اظهار نظر کرد که تاج صاحب تصویر بشقاب
ممکن است یکی از همان تاجهای غیر رسمی بوده که در مواقع عادی بر سر میگذاشتند یا
مربوط بدوران شاهزادگی یکی از پادشاهان ساسانی باشد که پس از جلوس بتخت تغییراتی
در بعضی قسمتهای آن داده است یا اینکه تاج مزبور متعلق بیکی از شاهزادگان
یا اعضاء هفت خاندان بوده که در طبرستان فرمانفرمائی داشت و جزو شهرداران
یا ویسپوهران محسوب میشد یا بالعکس متعلق بیکی از شاهزادگان ساسانیست که

تاکنون آثاری از او بدست نیامده است در هر حال اثبات این موضوع خود محتاج بوقت کافی و مطالعه دامنه داریست که باید بعداً در این باره بعمل آید.



ش - ۱۵ - تصویر تاج و صورت بهرام که از روی ظرف منسوب باو اقتباس شده است

از طرفی باتوجه بنکات فوق بشقاب مزبور که متعلق باو آخر قرن چهارم میلادیست در مازندران که جزو طبرستان محسوب میشده بدست آمده است ضمناً تشخیص هویت کسانی که در این تاریخ در آن ناحیه حکومت داشته اند خالی از اشکال نبوده و نمیتوان کاملاً معلوم داشت که این محل زیر نظر کدامیک از شاهزادگان^۱ یا هفت خاندان بزرگ

۱ - در دولت ساسانی افراد طبقه اول را بلقب شاهی میخواندند و از این جهت پادشاه ایران را شاهنشاه میگفتند این طبقه مرکب بود از شاهزادگان جزء و پادشاهان کوچکی که خود را به پناه شاهنشاه ایران کشیده بدینوسیله سلطنت محلی را در دودمان خود تأمین کرده بودند. مثلاً در آغاز تسلط ساسانیان پادشاهان اشکانی ارمنستان خراجگذار شاهنشاه شدند. مرزبانان ارمنستان و گرجستان در آن زمان لقب بیدخش (Bidhakhsh) بداشخ (Bdeashkh) را کافی السابق نگاهداشتند ضمناً ساسانیان تقسیمات سابق کشور را بحال خود باقی گذاشتند یعنی در ایالات چهارگانه سرحدی تغییر ندادند ضمناً از آغاز قرن پنجم میلادی می بینیم که فرمانفرمایان این ایالات را مرزبان میگفتند.

(بقیه پاورقی در صفحه ۳۵۳)

ساسانی^۱ اداره میشده است فقط روایتی از طبری (نولدکه صفحه ۴۳۷) در دست است که مینویسد خانواده **اسپاه** **بذ** در گرگان و حوالی آن حکومت داشته و از دودمانهای اشکانی بوده اند همانطوریکه قبلاً اشاره رفت این خاندان حق داشتند تاج بر سر نهند و تاج آنها از دیهیم پادشاهی کوچکتر بوده است. اما مدارک غیر قابل انکاری

این چهار مرزبان از نزدیکان خانواده سلطنتی محسوب میشدند. و عنوان شاهی داشتند تا آنجائیکه معلوم است از خانواده ساسانی شاهزاده گانی بودند که قبل از سلطنت فرمانفرمائی استان های مختلف را داشتند و در اینجا بذکر نام بعضی از آنها می پردازیم: دوبرادر **شاپور اول** بنام **اردشیر و پیروز** بترتیب بحکومت **کرمان و کوشان** منصوب شدند شخص اخیر لقب پادشاه کوشان را داشت در میان شاهنشاهان ساسانی **شاپور اول و هرمز اول و بهرام سوم و بهرام دوم** پیش از جلوس بسلطنت بحکومت خراسان و پادشاهی کوشان رسیدند. **بهرام سوم** حاکم سیستان بود و او را سکانشاه میگفتند **اردشیر دوم** والی ادیابن (Adiabéne) «ایالت شمالی زات بزرگ» بود بهرام چهارم حاکم کرمان شد و لقب کرمانشاه داشت **هرمز سوم** حاکم سیستان گردید و عنوان سکانشاه یافت.

از قدیم الایام رسم چنین بود که پسران پادشاه بحکومت نصب میشدند علی الخصوص شاهزادگانی که احتمال میرفت روزی براریکه سلطنت نشینند مجبور بودند با قبول حکومت استانها خود را برای مقام شاهی مهیا و آماده کنند در غیر این صورت رسیدن باین مرتبه قدری دشوار بنظر میرسید مثلاً بزرگان دولت ساسانی بیهانه اینکه بهرام پنجم چون هنوز به فرمانفرمائی آشنائی نیافته است لیاقت او معلوم نیست لذا از جلوس او بسلطنت جلوگیری کردند (کتاب ایران در زمان ساسانی تألیف آرتور کریستنسن صفحه ۶۱)

۱ - ساسانیان اصول ملوک الطوائفی را از اشکانیان میراث یافتند بهمین جهت در دولت جدید که اردشیر تأسیس کرد ترتیب مراتب و درجات طوری شد که مجدداً یک طبقه مقتدری بنام طبقه رؤسای طوائف پیدا شد. و مهمترین آنان رؤسا هفت دودمان ممتاز بودند که بنام **ویسپوهر یا واسپوهر** خوانده میشدند از این هفت دودمان سه خانواده را در عهد اشکانیان میشناسیم که حائز این مقام عالی شده اند: **قارن یا (قاران)** . **سورن** . **اسپاه** **بذ** که همه پهلوقب داشته و از نژاد اشکانیان بوده اند و نیز انتساب بسلسله اشکانی را علامت امتیاز می دانستند از این رو بود که از میان سایر دودمانهای ممتاز عهد ساسانی بعضی اهتمام داشتند که خود را بتخمه اشکانی منسوب کنند مثل دودمان **اسپندیاذ و مهران** . خاندان ساسانی نخستین دودمان از دودمانهای هفتگانه کشور محسوب میشد و باقی دودمانها را نام چنین بود **قارن پهلو - سورن پهلو - اسپاه بذ پهلو - اسپندیاذ - و مهران** - دیگری گویا **زیک** «Zik» بوده است.

« بنا بروایت طبری (نولدکه صفحه ۴۳۷) قارن در حوالی نهاوند (در کشور ماد) (بقیه پاورقی در صفحه ۳۵۴)

که در ظرف مزبور موجود است انتساب نقش بشقاب را یکی از اعضاء هفت‌خاندان تقریباً مردود می‌سازد خصوصاً تشابه کاملی که در طرز تزئینات لباس سوار با نقوش لباسهای سلطنتی آنزمان وجود دارد و نیز زینتهائی که با سبب منقوش در بشقاب آویخته شده است غالب آنها با اشیاء تزئینی اسبهای شاهنشاهان ساسانی که در روی بشقابهای نقره و نقوش برجسته دیده شده شباهت زیادی دارند (رجوع شود باشکال ۴ و ۸ و ۱۴ و ۱۷) از این رو با احتمال قوی میتوان یقین حاصل کرد که صاحب نقش



(ش- ۱۷) بشقاب نقره ساسانی بنام شاپور دوم که شکل شاهنشاه را هنگام شکارگراز نشان میدهد متعلق به «فریر کالری» واشنگتن

سورن در سیستان و اسپند یاذ در دهستان گرگان اقامت داشته‌اند از طرف دیگر میدانم که **سوخر** (Sôkhrâ) از دودمان قارن بود و مسقط الراسش بلوک اردشیر خوره بوده است. (طبری صفحات ۸۷۳ و ۸۷۷ نولدکه صفحات ۱۲۱ و ۱۲۶) بنابراین از مردم ایالت پارس بشمار می‌آمده است

از طرفی چون در زمان ساسانی برای اینکه از قدرت دودمان‌های بزرگ که از زمان (بقیه پاورقی در صفحه ۳۵۵)

یکی از شاهزادگان ساسانی بوده و از افراد خاندان سلطنتی میباشد چه شبیه بودن آثار موجود با نقش بشقاب خود دلیل بارزیست که تا حد قابل ملاحظه‌ای نظریات فوق را تأیید مینماید زیرا تاکنون شواهد و مدارکی که خلاف این مطلب را ثابت نماید در دسترس نبوده و آثاری هم از سایر دودمانهای زمان ساسانی موجود نیست تا بتوان از این نظریه عدول نمود بنابراین قرائن مزبور با مطالبی که قبلاً درباره **اردشیر دوم** ذکر گردید یکی از نظریاتی است که بیشتر مقرون بصحت بوده و با نقوش سکه و نقش برجسته این شاهنشاه وفق میدهد. فقط اختلاف بین تاج این شهریار با دیهیم نقش بشقاب مورد بحث در دو گوی کوچک مقابل تاج وزائده شیپوری وسط آنست ولی با مقایسه تاج این شاهنشاه که از روی سکه ها بدست آمده است با تاج نقش سوار باین نتیجه میرسیم که با استثناء دو اختلاف فوق الذکر سایر قسمتهای دو تاج از هر حیث یکی بوده خصوصاً از لحاظ سبک و تعداد کنگره ها و ابعاد مختلف نظیر یکدیگر ساخته شده است. بهمین علت چنین تصور میرود که **صورت سوار مزبور باید شبیه اردشیر دوم در دوران شاهزادگی باشد.** که پس از جلوس بسلطنت زائده شیپوری و دو گوی کوچک را **یک گوی منسوج که معمول تاج شاهی بوده است تبدیل نموده است** از طرفی چون تاج اردشیر دوم از سایر تاجهای پادشاهان ساسانی ساده تر است لذا همین سادگی تاج او را بعضی مورخین دلیل بر نیابت سلطنت او میدانند^۱ در صورتیکه اگر در دیهیم پادشاهان ساسانی دقت نمائیم مشاهده میشود هر پادشاهی که دارای نام سلف خود بوده سعی داشته که تاجش مانند تاج شهریار هم نامش باشد چنانچه این مطلب در تاجهای **اردشیر اول و اردشیر دوم - شاپور اول و دوم و بهرام** ها صدق میکند مثل اینکه این حس تقلید در نزد پادشاهان

دولت اشکانی باقیمانده بودند بکاهند و ضمناً بتوانند در مواقع لازم از حمایت آنها برخوردار شوند برخلاف دوره اشکانی املاک و اقطاع آنها را در تمام مملکت یعنی در نواحی مختلف بخش نمودند و از مرکزیت املاک و تیول آنها بطور مستقیم جلوگیری مینمودند تا از قدرت محلی آنها کاسته شده و خیال خود سری نداشته باشند اما با وجود تمام این محدودیتها علاوه بر شاهزادگان امراء محلی خصوصاً هفت خاندان ممتاز در زمان ساسانی دارای امتیازات خاصه بودند.

۱- تاریخ سلاطین ساسانی تألیف مرحوم محمد حسین خان فروغی « ذکاء الملک »

اولیه ساسانی بیشتر معمول بوده است بطوریکه با حذف بعضی زواید سبک اصلی تاجها کاملاً شبیه بهم میباشند^۱

از آنچه گذشت البته باز هم بطور یقین نمیتوان گفت که بشقاب مزبور متعلق به **باردشیر دوم** باشد ولی شواهد بسیاری در سکه و نقش طاق بستان موجود است که باتصویر بشقاب نامبرده مطابقت دارد و این احتمال را بیقین نزدیکتر مینماید مگر اینکه تصور شود شکل سوار نامبرده صورت یکی از پادشاهان ساسانی باشد که تا کنون آثار و سکه از آن بدست نیامده است و چنین پادشاهی غیر از **هرمز سوم** پسر **یزدگرد دوم** که در زمان پدر حکومت سکستان را داشت نخواهد بود که در سال ۴۷۷ میلادی به سلطنت رسید لکن برادر کوچکش **پیروز** ادعای سلطنت داشت و با سپاهی که از نواحی شرقی آورده بود بهرمز که در ری اقامت داشت حمله برد در مدت جنگ این دوشاهزاده مادرشان **دینک Dēnagh** در تیسفون سلطنت میکرد^۲ اما باند داشتن شواهد و مدارک مثبت نظریه فوق هم چندان مورد قبول و اطمینان نمیشد.

ولی در بین شاهزادگان ساسانی **هرمز** دیگر است که برادر **بهرام دوم** بوده در زمان سلطنت این شاهنشاه (۲۹۳-۲۷۶ م) فرمانفرمائی خراسان را داشت و در هنگام جنگ این شاهنشاه با روم شاهزاده مزبور علم طغیان برافراشت و بکمک و معاضدت سکاها و کوشانیها و گیلها سعی کرد در شرق مملکت دولت مستقلی تأسیس نماید بهمین جهت بهرام دوم با کمال عجله به جنگ روم خاتمه داد و تمام قوای خود را بمقابله برادر یاغی برد و شورش خاموش شد و سکستان مسخر گردید و شاهزاده دیگری که موسوم به بهرام بود (بعدها **بهرام سوم** شد) در این وقت بالقب سکانشاه پادشاهی سکاها یافت^۳ چون هرمز نامبرده در شرق ایران سلطنت داشت و از طرفی موقع جنگها با برادر خود از اقوام مختلف منجمله از گیلها کمک خواست لذا چنین بنظر میرسد که منطقه نفوذ این شاهزاده تا سواحل جنوبی دریای خزر بوده ضمناً چون ظرف مزبور هم در ناحیه مارندران کشف گردید بنابراین از قرائن میتوان حدس زد که بشقاب مکشوفه در محل مزبور متعلق باین شاهزاده باشد.

۱- بمقاله تاجهای ساسانی متعلق به آقای کورت اردمان شماره ۵- ۱۶۹۱ (آر اس امیکا چاپ (۱۹۵۱) رجوع فرمایند. ۲- کتاب ایران در زمان ساسانی تألیف کریستنسن صفحه ۲۰۱
۳- کتاب ایران در زمان ساسانی تألیف کریستنسن صفحه ۱۵۳

یکی دیگر از شاهزادگان ساسانی که بنام **هرمن** معروف است برادر **شاپور دوم** میباشد که پس از فوت پدرش **هرمن دوم** در سال (۳۰۹ یا ۳۱۰-م) بعثت مخالفت اعیان و نجبای مملکت زندانی شد اما بطوریکه معروف است بوسیله همسر خود از حبس فرار کرد و با **امپراطور روم** موسوم به **کنستانتین** پناه برد این شاهزاده ایرانی که در زمان پدر بحد رشد رسیده بود و بعد از فوت او ادعای سلطنت داشت و پس از فرار و پناهنده شدن برومیان در زمان **امپراطوری ژولین** بالشگریان روم بچنگ ایران آمد و خود یکی از سرداران سپاه روم محسوب میشد و امید داشت که با کمک رومیان به تخت ایران جلوس کند^۱ - لذا از شرح حال این شاهزاده چنین برمیآید چون در تاج مورد بحث ما زائده شیپوری شکل که در وسط آن نصب شده است کاملاً با علامت کلاه رومی قابل مقایسه میباشد بنابراین اینطور استنباط میتوان کرد شاهزاده نامبرده که در پناه رومیان میزیست برای حفظ دوستی و جلب نظر دولت روم از این زائده شیپوری شکل که شعار کلاه رومی بوده در تاج خود استفاده نموده و تاجی مرکب از سبک ایرانی و رومی بر سر میگذاشته است . این نظر از لحاظ قرابتی که بین تاج نقش بشقاب با تزییناتی که کلاه های رومی دارد خود در خور مطالعه و تحقیق بیشتری است اگر محل سکونت شاهزاده نامبرده با جاییکه ظرف نقره مزبور کشف شده است مورد ایراد قرار گیرد این موضوع چندان مهم بنظر نمیرسد چه انواع ظروف ساسانی در نقاط دور دستی مانند نواحی مختلف روسیه بدست آمده که در آنزمان از حیظه قدرت دولت ساسانی خارج بوده است بنابراین اگر ظروف مکشوفه در مازندران را متعلق باین شاهزاده بدانیم دو نظر احتمالی دیگر درباره آن میتوان ذکر نمود :

۱ - ممکن است ظرف مزبور در جنگ شاپور دوم با ژولین امپراطور روم که هرزهم در آن شرکت داشته و یقین داشت که بتخت سلطنت جلوس خواهد نمود ضمن غنائم جنگی بدست سربازان شاپور دوم خصوصاً سربازان شمالی ایران که در آن نبرد در رکاب بودند افتاده باشد .

۱ - کتاب ایران در زمان ساسانی صفحه ۱۶۱ و تاریخ ساسانیان تألیف مرحوم

محمد حسین خان فروغی صفحه ۱۸۱

۲- چون ظروف نقره اغلب از طرف شاهان و شاهزادگان بزرگ بعنوان هدیه به بزرگان واعیان داده میشد لذا ممکن است ظرف مورد بحث جزو هدایائی بوده که بوسیله هرگز برای جلب دوستی اقوام جنوبی دریای خزر فرستاده شده شده باشد.^۱

بنظر نگارنده صرف نظر از مطالب فوق انتساب این بشقاب به هرمنز برادر شاپور دوم بعلمت همان علائم رومی که در روی تاج سوار آن دیده میشود یکی دیگر از اظهار نظرهایی است که تقریباً بعقل و منطق نزدیکتر بوده و بیشتر مورد قبول قرار خواهد گرفت. از طرفی چون زمان زندگی هرمنز و اردشیر دوم مقارن یکدیگرند بدین جهت لباس و قسمتی از تاج کاملاً بالباس و تاج اردشیر دوم تطبیق نمیکند فقط اختلافی که وجود دارد در تزئینات تاج مزبور میباشد که کمی تحت تأثیر سبک رومی قرار گرفته است. نظریاتی که تاکنون درباره تصویر بشقاب مزبور ذکر گردید با احتمال قوی این شیئی نفیس را باید متعلق بیکی از شاهزادگان ساسانی دانست ولی ممکن است با مطالعه علاقه مندان و اهل فن دلائل دیگری بدست آید که نظریات فوق تا حدی تغییر دهد مثلاً آنرا مربوط بیکی از خاندانهای بزرگ زمان ساسانی بدانند گرچه بنا بر روایت طبری و نلدکه در جنوب دریای خزر یعنی گرگان و حوالی آن یکی از دودمانهای هفت گانه حکومت داشته و بنام اسپاه بذپهلو موسوم بوده اند ولی با نداشتن آثار و مدارکی از این خاندان نمیتوان یقین حاصل کرد که لباس و طرز تزئینات رؤسای این طبقه ممتاز کاملاً با لباس و تاج شاهنشاهان ساسانی یا شاهزادگان درجه اول یکی باشد چه با مقایسه که تاکنون بعمل آمد لباس و تزئینات نقش بشقاب با البسه پادشاهان ساسانی کاملاً تطبیق مینماید مگر اینکه در نتیجه مطالعات بعدی اساتید فن خلاف این نظریه ثابت گردد.

در خاتمه بی مناسبت نمیداند درباره علامتی که در پشت ظرف مزبور حک گردیده است مطالب چندی برای اطلاع خوانندگان ذکر نماید :

پشت ظرف مزبور که کاملاً صاف و بدون نقش میباشد در وسط آن یعنی داخل

۱ - یکی از اقوامی که مانند سکاها اغلب در جنگها از وجودشان استفاده میشد اقوام طبرستان و گیلها بودند در تاریخ جنگهای شاهنشاهان ساسانی غالباً باسم اقوام گیل بر میخوریم

کعب دودایره متحدالمرکز رسم شده که در کنار آن یک حرف پهلوی جلب توجه مینماید که بدین شکل (𐭪) نقر نمودند که حرف « K » ساسانی میباشد با مقایسه این حرف با حروف سکه های ساسانی معلوم میشود که نظیر این حرف در سکه های **هرمز اول و اردشیر دوم**^۱ و بعضی از پادشاهان دیگر ساسانی وجود دارد گرچه این موضوع جهت اثبات مطالب مذکور در فوق کافی بنظر نمیرسد ولی از لحاظ تغییراتی که بتدریج در طرز تحریر حروف پهلوی سکه های ساسانی پیدا شده بود قابل اهمیت میباشد یا اینکه ممکن است این حرف علامت خاصه نام یکی از پادشاهان ساسانی بوده است .

هر چند دلائل و توضیحاتی که فوقاً درباره بشقاب مکشوفه گفته شد شخصیت صاحب ظرف را بخوبی معلوم نمیدارد ولی با مقایسه این ظرف با سایر بشقابهای اندوره و مجلسی که در آن تهیه شده است با مجالس شکار بعضی از بشقابها از قبیل بشقاب متعلق بشاپور دوم که در حال شکار شیر (ش - ۳) بوده و بشقاب همین شاهنشاه که در حال شکار با گراز است (ش ۱۷) و همچنین در ظرفهای نقره دیگر مشاهده میشود از لحاظ فکر و سبک کار یکی میباشند و همین امر خود دلیل دیگری است که باید ظرف مزبور را متعلق بخاندان سلطنتی دانست دلیل بارزی که خلاف نظریه فوق را ثابت نماید در دست نمیشود مگر اینکه فقط متکی باقوال و نوشته های مورخین باشیم .

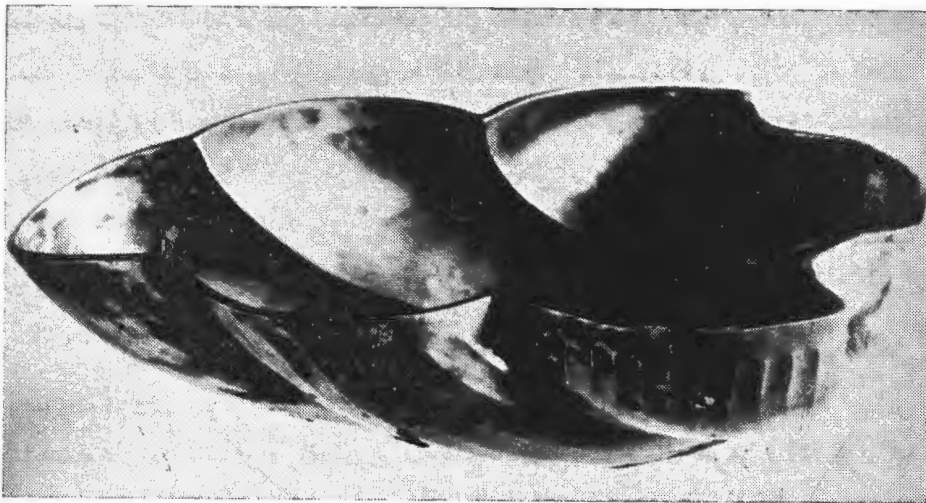
بنظر نگارنده از تمام نظریات مختلف که تاکنون برای تصویر بشقاب مزبور ذکر گردید نتایج زیر بدست میآید :

اولاً از لحاظ مقایسه این شی با سکه ها و حجاریهای ساسانی این شکل باصورت **اردشیر دوم** بیشتر تطبیق مینماید و باید آنرا مربوط بدوران شاهزادگی این شاهنشاه دانست ثانیاً از نظر اقوال و گفته های تاریخی با شرح حال **هرمز برادر بزرگ شاپور دوم** کاملاً مطابقت دارد متأسفانه بعلت عدم دسترسی بآثار این شاهزاده ساسانی مجبوریم فقط بنوشته های تاریخی اکتفا نمائیم ولی آنطوریکه شکل تاج های **هرمز اول و اردشیر دوم** که شرح آن قبلاً گذشت گواهی میدهند و با تقلیدی

که شاهزادگان ساسانی از تاج پادشاهان سلف خود میکردند بعید بنظر نمیرسد که تصویر مزبور را از هر مزبور ادر شاپور دوم بدانیم خصوصاً با مشخصات بارزی مانند شعار کلاه رومی که در آن مشاهده میشود همچنین اختلافی که در صنعت زرگری و طراحی نقوش آن نسبت بسایر ظروف نقره ساسانی مشهود است فکر انتساب این ظرف را بشاهزاده نامبرده بیشتر تقویت مینماید.

در دنباله این مقاله مناسب میدانم از دو ظرف نقره دیگر ساسانی که با بشقاب مورد بحث بدست آمده اند شمه ای گفته شود.

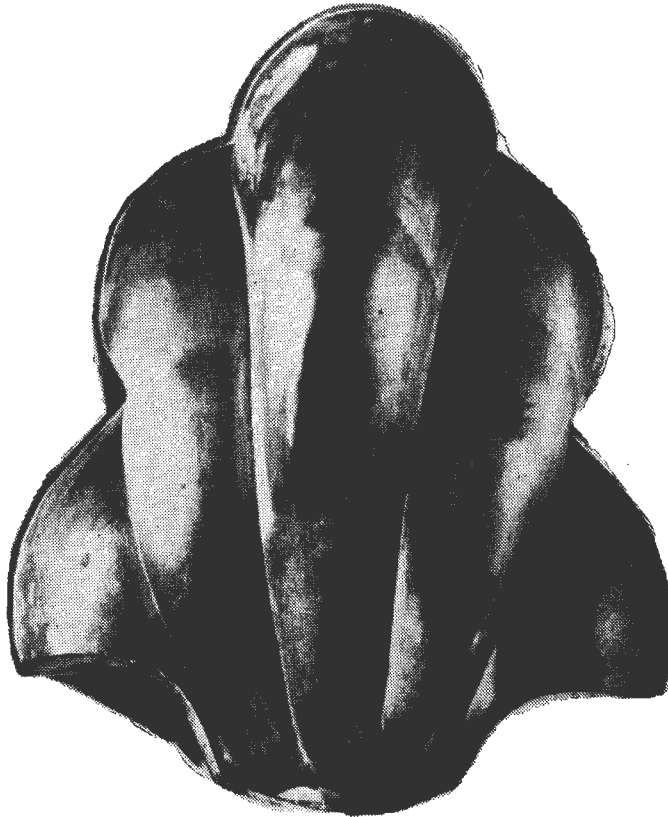
یکی از ظرفهای مزبور دارای شکل مخصوصی بوده یعنی شبیه بدنه بعضی صدفها گود و برجسته ساخته شده است طول و عرض این ظرف $(۱۸/۶ \times ۲۲/۶)$ سانتیمتر بوده لبه آن در وسط از یک منحنی منفرد و در طرفین از شش منحنی متقارن تشکیل مییابد و باصطلاح لبه را بسبک دالبر زینت داده اند از هر یک از منحنی ها شیار مقعری مجزا میگردد که مجموعاً بطرف پائین ظرف امتداد دارند (ش ۱۸) بدین منوال



(ش - ۱۸) - ظرف نقره ساسانی مکشوفه در ساری که بشکل برگ مو ساخته شده است

در داخل شئی مزبور پنج قسمت مقعر دیده میشود که چهار نوار برجسته آنها را از یکدیگر جدا میکنند خارج ظروف در نتیجه مقعر بودن سطح داخلی بصورت پنج

برجستگی درآمده است که سطح آنرا باشیارهای موازی کم عمقی به تناسب شکل ظرف زینت داده‌اند (ش ۱۹) سطح ظرف پوششی از آب طلا داشته که هنوز آثاری



ش ۱۹ - در این شکل همان ظرف از طرف داخل نشان داده شده است

از آن در روی ظرف باقی مانده است. نظیر این پوشش در اغلب ظروف نقره‌زمان ساسانی مشاهده میشود بطوریکه این عمل در صنعت زرگری آنزمان رواج کامل داشت. بطور کلی شکل و محیط ظاهری ظروف نقره مزبور شباهت کاملی به برگ مو دارد و اقتباس شکل برگ درخت نامبرده در اغلب صنایع مختلف ساسانی دیده شده و اشکال برگ مو با وضع مختلف یعنی باشاخه و بدون شاخه علاوه بر ظروف نقره در تزیینات اکثر بناهای آندوره از قبیل گچ بریهای ازاره بنا

و کتیبه‌های اطراف طاق نماها بکار رفته است بنابراین بعید بنظر نمیرسد که سازنده ظرف بروش متداول آن زمان تحت تأثیر سبک معمول آندوره قرار گرفته و شکل ظرف را از برگ مو اقتباس نموده باشد (ش ۲۰)



ش ۲۰ - قسمت خارجی ظرف نقره مکشوفه در ساری که شیارهایی به تناسب معین در سطح خارجی آن نقش شده است

بسیک این ظرف انواع دیگری از دوران ساسانی بدست آمده است که وجه

تشابه زیادی بین آنها وجود دارد مثلاً در موزه ایرانباستان ظرف نقره بیضی شکلی بدین سبک موجود است که داخل آن مانند ظرف مورد بحث گود و برجسته ساخته شده و سطحش از آب‌طلامستور است - تعداد دیگری از اقسام این ظرف در موزه‌های ممالک خارجه موجود است که از لحاظ سبک کار باشی نامبرده شباهت کامل دارند . گرچه بظاهر شکل دو ظرف موجود در موزه ایرانباستان یکی نمیباشند



ش ۲۱ - بشقاب نقره ساده بی نقش « مکشوفه درساری » که مقداری از آن ناقص است ولی از سبک و شیوه کارچنین برمیآید که سازندگان آن از یک منبع الهام گرفته .

و بعداً به نسبت ذوق و سلیقه خود تغییراتی در شکل آنها داده‌اند. بعلاوه ساختن انواع ظروف مزبور در زمان ساسانی معمول بوده و اشکال مختلفی که از آنها تا کنون بدست آمده با وجود سادگی و نداشتن نقش از ذوق و سلیقه خاص سازنده آن حکایت می‌کند. ظرف دیگری که با دو ظرف فوق‌الذکر بدست آمده است بشقاب نقره ساد: ایست که قسمتی از آن کسر می‌باشد ظرف مزبور بقطر ۳۰ سانتیمتر از نقره خالص نسبتاً نازکی ساخته شده و چون فاقد نقش است لذا از شرح مفصل درباره آن خودداری می‌شود (ش - ۲۱) .

نظر باینکه دو ظرف اخیر با بشقاب نقشدار مورد بحث در یک محل کشف گردید بنابراین با ظروف منقوش یکی بوده یعنی متعلق به نیمه دوم قرن چهارم میلادیست. ولی اهمیت تاریخی و نفاست بشقاب نقره نقش برجسته بیش از دو ظرف مزبور است بدین جهت از لحاظ مطالعه و تحقیقات علمی هم شایان توجه می‌باشد.

